

۱۵ نوامبر (۵ آذر)  
روز جهانی معر خسوت علیه زنان



شب موقع بدی است  
هر شب تمام ما  
با چشمهای زل زده میبینیم  
عفریت مرگ را  
کابوس آشنای شب کودکان شهر  
هر شب لباس واقعه میپوشد  
اینجا  
هر شام خامشانه به خود گفته ایم  
شاید،  
این شام  
شام آخر ما باشد  
اینجا در خانه های خاکی خواب آلود  
جیغ کدام مادر بیدار است  
که در گلو نیامده میخسکد؟  
قیصر امین پور

آذر ۱۳۹۱ / رشت

راه تماس : barabary@gmail.com

۱۵ نوامبر (۵ آذر)  
روز جهانی معر خسوت علیه زنان



شب موقع بدی است  
هر شب تمام ما  
با چشمهای زل زده میبینیم  
عفریت مرگ را  
کابوس آشنای شب کودکان شهر  
هر شب لباس واقعه میپوشد  
اینجا  
هر شام خامشانه به خود گفته ایم  
شاید،  
این شام  
شام آخر ما باشد  
اینجا در خانه های خاکی خواب آلود  
جیغ کدام مادر بیدار است  
که در گلو نیامده میخسکد؟  
قیصر امین پور

آذر ۱۳۹۱ / رشت

راه تماس : barabary@gmail.com

۳	تاریخچه
۴	خشونت همه جانبه بر زنان، از خانه تا سیاست
۷	نه به جنگ، نه به مردسالاری
۱۰	پیکر زنان، میدان نبرد
۱۲	کابوس های جنگ
۱۴	خشونت در آئینه آمار
۱۵	ناقص سازی جنسی زنان
۱۷	زنانی در کنار خیابان های شهرم
۱۹	شعر
۲۰	روایت هایی روزمره از خشونت
۲۱	راهکارهای مقابله با خشونت

۳	تاریخچه
۴	خشونت همه جانبه بر زنان، از خانه تا سیاست
۷	نه به جنگ، نه به مردسالاری
۱۰	پیکر زنان، میدان نبرد
۱۲	کابوس های جنگ
۱۴	خشونت در آئینه آمار
۱۵	ناقص سازی جنسی زنان
۱۷	زنانی در کنار خیابان های شهرم
۱۹	شعر
۲۰	روایت هایی روزمره از خشونت
۲۱	راهکارهای مقابله با خشونت

- ارائه برنامه های عمومی و آموزشی برای تعلیم افراد جامعه برای دستیابی به جامعه بدون خشونت.

۳- تغییر در شیوه های قانونی از طریق:

- تاسیس دادگاههای ویژه برای رسیدگی به نقض حقوق زنان و کنترل

خشونت علیه آنان

- تعلیم افسران اجرایی

- آموزش و تعامل با وکلا، قضات و قانون گذاران در چگونگی برخورد با

قربانیان خشونت و حمایت از آنها

- تشکیل گروههای زنان برای بررسی مواد قانونی

- تجدید نظر در قوانین

( لازم به یادآوری است با توجه به نقش تاثیر گذار تبعیضات قانونی در ابقاء خشونت علیه زنان، در ایران حرکتهای فراوانی برای تغییر قوانین تبعیض آمیز صورت گرفته است. کمپین یک میلیون امضا را می توان یکی از حرکت های تاثیر گذار برای کم کردن میزان اثر گذاری خشونت های ساختاری- قانونی بر روی زنان دانست. کمپین یک میلیون امضا حرکتی است که جمعی از فعالان حقوق زن از شهریور ماه ۸۵ آغاز کرده اند و قصد دارند تا یک میلیون امضا برای لغو قوانین تبعیض آمیزی نظیر دیه، ارث، شهادت، طلاق، حضانت، سن مسئولیت کیفری ، که پیامدهای خشونت باری بر زندگی زنان ایران دارد، جمع آوری کنند.)

- ارائه برنامه های عمومی و آموزشی برای تعلیم افراد جامعه برای دستیابی به جامعه بدون خشونت.

۳- تغییر در شیوه های قانونی از طریق:

- تاسیس دادگاههای ویژه برای رسیدگی به نقض حقوق زنان و کنترل

خشونت علیه آنان

- تعلیم افسران اجرایی

- آموزش و تعامل با وکلا، قضات و قانون گذاران در چگونگی برخورد با

قربانیان خشونت و حمایت از آنها

- تشکیل گروههای زنان برای بررسی مواد قانونی

- تجدید نظر در قوانین

( لازم به یادآوری است با توجه به نقش تاثیر گذار تبعیضات قانونی در ابقاء خشونت علیه زنان، در ایران حرکتهای فراوانی برای تغییر قوانین تبعیض آمیز صورت گرفته است. کمپین یک میلیون امضا را می توان یکی از حرکت های تاثیر گذار برای کم کردن میزان اثر گذاری خشونت های ساختاری- قانونی بر روی زنان دانست. کمپین یک میلیون امضا حرکتی است که جمعی از فعالان حقوق زن از شهریور ماه ۸۵ آغاز کرده اند و قصد دارند تا یک میلیون امضا برای لغو قوانین تبعیض آمیزی نظیر دیه، ارث، شهادت، طلاق، حضانت، سن مسئولیت کیفری ، که پیامدهای خشونت باری بر زندگی زنان ایران دارد، جمع آوری کنند.)

رای اولین بار در اولین گردهمایی فمینیستی برای آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب که در بوگوتا، کلمبیا، در روزهای ۱۸ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱، تشکیل شد، روز ۲۵ نوامبر برابر با ۴ آذر به عنوان «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» اعلان شد. تاریخ ۲۵ نوامبر به یادبود خاطره ۳خواهر اهل جمهوری دومینیکن، خواهران «میرابال» انتخاب شد. قتل این سه زن در سال ۱۹۶۰ در دوران حکومت دیکتاتوری رافائل تراخیلو صورت گرفت. اعلان این روز به عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت بر علیه زنان به عنوان احترام به این سه خواهر و همچنین اذعان به وجود خشونت جنسی در جهان است. سه دختر خانواده میرابال، پاتریا، مینروا و ماریا ترزا در سالهای ۱۹۲۴، ۱۹۲۷ و ۱۹۳۵ در منطقه ای که امروز در جمهوری دومینیکن استان سی باس نامیده می شود متولد شدند. هر سه تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده ، مینروا و ماریا برای ادامه تحصیلات وارد دانشگاه شدند. هر سه خواهر و همسرانشان درگیر مبارزه با رژیم فاشیستی «تراخیلو» بودند، و به رغم پیگردها و زندانی شدن های مکرر به شرکت در فعالیت های سیاسی علیه خودکامگی های «تراخیلو» ادامه می دادند. در ژانویه ۱۹۶۰ ، پاتریا ریاست اجلاسی را به عهده داشت که عاقبت در ژوئیه همان سال «نهضت مقاومت سری» را بنیاد نهاد. از آن پس خواهرها و سایر یارانشان در سراسر کشور بیش از پیش مورد فشار و آزار رژیم مستبدانه «تراخیلو» قرار گرفتند و در همان سال در راه بازگشت از ملاقات همسران زندانی شان، به طرز فجیعی به قتل رسیدند.

رای اولین بار در اولین گردهمایی فمینیستی برای آمریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب که در بوگوتا، کلمبیا، در روزهای ۱۸ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱، تشکیل شد، روز ۲۵ نوامبر برابر با ۴ آذر به عنوان «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» اعلان شد. تاریخ ۲۵ نوامبر به یادبود خاطره ۳خواهر اهل جمهوری دومینیکن، خواهران «میرابال» انتخاب شد. قتل این سه زن در سال ۱۹۶۰ در دوران حکومت دیکتاتوری رافائل تراخیلو صورت گرفت. اعلان این روز به عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت بر علیه زنان به عنوان احترام به این سه خواهر و همچنین اذعان به وجود خشونت جنسی در جهان است. سه دختر خانواده میرابال، پاتریا، مینروا و ماریا ترزا در سالهای ۱۹۲۴، ۱۹۲۷ و ۱۹۳۵ در منطقه ای که امروز در جمهوری دومینیکن استان سی باس نامیده می شود متولد شدند. هر سه تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده ، مینروا و ماریا برای ادامه تحصیلات وارد دانشگاه شدند. هر سه خواهر و همسرانشان درگیر مبارزه با رژیم فاشیستی «تراخیلو» بودند، و به رغم پیگردها و زندانی شدن های مکرر به شرکت در فعالیت های سیاسی علیه خودکامگی های «تراخیلو» ادامه می دادند. در ژانویه ۱۹۶۰ ، پاتریا ریاست اجلاسی را به عهده داشت که عاقبت در ژوئیه همان سال «نهضت مقاومت سری» را بنیاد نهاد. از آن پس خواهرها و سایر یارانشان در سراسر کشور بیش از پیش مورد فشار و آزار رژیم مستبدانه «تراخیلو» قرار گرفتند و در همان سال در راه بازگشت از ملاقات همسران زندانی شان، به طرز فجیعی به قتل رسیدند.

خشونت علیه زنان پدیده ای جهانی است، اما در اکثر نقاط جهان راه حل هایی برای مقابله با این پدیده اتخاذ شده است که توانسته است به میزان زیادی از آسیب پذیری زنان در برابر خشونت بکاهد. در ادامه تعدادی از این راه کار ها آمده است.

۱- ارائه خدمات به قربانیان خشونت از طریق:

- رشد تشکلهای زنان

- ایجاد گروههای پلیس زن (با آموزش های مخصوص در این زمینه)

- تاسیس خانه های امن

- تقویت نهادهای مددکاری اجتماعی و مشاوره قضایی در کنار دادگاهها خانواده

- برگزاری میزگرد و کارگاههای آموزشی

- ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان و حمایت از تحصیلات دختران در مدارس حرفه ای

- ایجاد مراکز مشاوره جهت ارائه توصیه های قابل اجرا

- ایجاد شبکه کمک رسانی

۲- تلاش برای ایجاد تغییر دیدگاه مردان از طریق تشویق زنان به گفتگو در

خصوص خشونتهای اعمال شده و تاثیرات کوتاه مدت و بلند مدت آن بر آنها

- برنامه های درمانی برای مردان خشن از طریق مشاوره و کارگاههای آموزشی

یکی از مشخصات کلی خشونت علیه زنان در سراسر جهان این است که در بیشتر موارد از نظر ها پنهان است زنان تا کارد به استخوانشان نرسد از زندگی خشونت آمیز خود حرفی نمی زنند این پرهیز متناسب است با شرایط زندگی فردی و اجتماعی زنان در هر جامعه.

در ایران زنان در اثر فشارهای سنتی هزاران ساله که دامنه وسیع دارد خو گرفته اند که بخش عمده ای از وضعیت خشونت بار زندگی خود را از دیگران بپوشانند . آنها از مراجعه به مراکز قضایی و خدمت رسانی خود داری می کنند و هنگامی لب به شکایت می گشایند و کمک می طلبند که تمام امید های خود را از دست داده باشند . این است که مبارزه با خشونت علیه زنان در ایران نیز مانند سایر کشورها آسان نیست.

زنان ایرانی در فضای زندگی پدري زیر سلطه پدر برادر شوهر خواهر و... به سر می برند در فضای زندگی زنشویی زیر سلطه شوهر و اقوام او هستند در فضای زندگی شغلی زیر سلطه سلیقه های مرد سالار رؤسا و مدیران مذکر روزگار می گذرانند. با این حال چنان در بافت ذهنی و رفتاری خود به خشونت تسلیم شده اند که کمتر واکنش نشان می دهند. همچنین زنان در فضای زندگی اجتماعی تحت فشار سنت های زن ستیز احساس نا امنی می کنند. از سویی دیگر این روزها علاوه بر خشونت های مانوس صدها ساله ی خانگی و اجتماعی، خشونت دیگری نیز زنان را تهدید می کند. این روزها با بالا گرفتن نظامی گری و تهدیدات نظامی در منطقه اوضاع بیش از پیش وخیم شده

خشونت علیه زنان پدیده ای جهانی است، اما در اکثر نقاط جهان راه حل هایی برای مقابله با این پدیده اتخاذ شده است که توانسته است به میزان زیادی از آسیب پذیری زنان در برابر خشونت بکاهد. در ادامه تعدادی از این راه کار ها آمده است.

۱- ارائه خدمات به قربانیان خشونت از طریق:

- رشد تشکلهای زنان

- ایجاد گروههای پلیس زن (با آموزش های مخصوص در این زمینه)

- تاسیس خانه های امن

- تقویت نهادهای مددکاری اجتماعی و مشاوره قضایی در کنار دادگاهها خانواده

- برگزاری میزگرد و کارگاههای آموزشی

- ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان و حمایت از تحصیلات دختران در مدارس حرفه ای

- ایجاد مراکز مشاوره جهت ارائه توصیه های قابل اجرا

- ایجاد شبکه کمک رسانی

۲- تلاش برای ایجاد تغییر دیدگاه مردان از طریق تشویق زنان به گفتگو در

خصوص خشونتهای اعمال شده و تاثیرات کوتاه مدت و بلند مدت آن بر آنها

- برنامه های درمانی برای مردان خشن از طریق مشاوره و کارگاههای آموزشی

یکی از مشخصات کلی خشونت علیه زنان در سراسر جهان این است که در بیشتر موارد از نظر ها پنهان است زنان تا کارد به استخوانشان نرسد از زندگی خشونت آمیز خود حرفی نمی زنند این پرهیز متناسب است با شرایط زندگی فردی و اجتماعی زنان در هر جامعه.

در ایران زنان در اثر فشارهای سنتی هزاران ساله که دامنه وسیع دارد خو گرفته اند که بخش عمده ای از وضعیت خشونت بار زندگی خود را از دیگران بپوشانند . آنها از مراجعه به مراکز قضایی و خدمت رسانی خود داری می کنند و هنگامی لب به شکایت می گشایند و کمک می طلبند که تمام امید های خود را از دست داده باشند . این است که مبارزه با خشونت علیه زنان در ایران نیز مانند سایر کشورها آسان نیست.

زنان ایرانی در فضای زندگی پدري زیر سلطه پدر برادر شوهر خواهر و... به سر می برند در فضای زندگی زنشویی زیر سلطه شوهر و اقوام او هستند در فضای زندگی شغلی زیر سلطه سلیقه های مرد سالار رؤسا و مدیران مذکر روزگار می گذرانند. با این حال چنان در بافت ذهنی و رفتاری خود به خشونت تسلیم شده اند که کمتر واکنش نشان می دهند. همچنین زنان در فضای زندگی اجتماعی تحت فشار سنت های زن ستیز احساس نا امنی می کنند. از سویی دیگر این روزها علاوه بر خشونت های مانوس صدها ساله ی خانگی و اجتماعی، خشونت دیگری نیز زنان را تهدید می کند. این روزها با بالا گرفتن نظامی گری و تهدیدات نظامی در منطقه اوضاع بیش از پیش وخیم شده

است. تحریم های همه جانبه ی خارجی در هماهنگی با سیاست های داخلی، بیش از پیش اوضاع زندگی زنان را تحت تاثیر قرار داده است. اوضاع رو به وخامت اقتصادی زنان را بیش از پیش به بازار کار غیر رسمی کشانده است. شمار روز افزون زنان دستفروش نشان از همین موضوع دارد.

علاوه بر این، آنچه ایران این سالها در قبال نظامی گری بدست آورده تحریمهایی هـــــــــــــــرچه شدید تر است که بوجود آورنده کمبود ارزاق اساسی و عمومی و در نتیجه تشدید گـــــــــــــــرانی و تورم می باشد.

حذف گوشت، میوه و لبنیات از سبد مصرفی خانواده هـــــــــــــــــا، فاجعه ای جبران ناپذیر کمبود آهن، کلسیم و انواع ویتامین ها را به بار می آورد، فاجعه ای که بیشتر، زنان و کودکان با آن دست به گریبانند. زنانی کـــــــــــــــــه یاد گرفته اند فداکار باشند؛ بشقاب خود کم و به بشقاب همـــــــــــــــــــــر و فرزندان خود اضافه منند.

تحریم هایی که مقدمه شرایط جنگی است، بر روی بازار دارو نیز تاثیر گذاشته است. هم اکنون دارو به خصوص برای بیماری های خاص همچون سرطان، به شدت نایاب شده است. گزارش هایی از کمبود داروهای بیهوشی نیز منتشر شده است.

علاوه بر این ها ، پیدا کردن شیر خشک نیز این روزها دغدغه ای شده است. افزایش قیمت اقلامی چون شیر خشک، پوشک بچه ، و ... بیشترین فشار را بر مادران اعمال می کند که مسئول نگهداری کودکان قلمداد می شوند. از سویی دیگر در کنار لغو انجام رایگان عمل واژکتومی در مراکز بهداشت، به تازگی واردات کاندوم نیز به عنوان محصولی لوکس! ارزیابی شده و ممنوع شده است. اینها همه چشم اندازی از فلاکت است که پیش روی مردم ، به خصوص زنان قرار دارد. در چنین شرایطی بی راه نیست اگر بگوییم که در شرایط جنگی

## روایت‌هایی روزمره از خشونت

- پسرانم آزاد بودند که هر جا می خواهند بروند. اما دخترم حتی جلوی برادرانش باید شلوار می پوشید، چون او می گفت که بدن دختر ممکن است برادرانش را تحریک کند. دخترم از ساده ترین آزادی ها نیز محروم بود. وقتی می خواست بیرون برود، همسر مرا وادار می کرد همراهش بروم و مراقبش باشم...

- سه ماه می شد که حقوقم را می گرفت و برای خرج خانه از آن استفاده می کرد و برای رفت و آمدم، مقداری پول توجیبی به من می داد. همیشه می گفت من و تو نداریم. اما هر وقت خودش می خواست پول هایش را بشمارد به من پشت می کرد و می شمرد.... - ساعت ورزش بود. رفتم به کلاس. بچه ها در حال تعویض لباس بودند. ناخودآگاه چشمم به بازوی سمیه افتاد. سیاه شده بود. جلو و رفتم و پرسیدم باز چه شده، با نگاهی تیز و برنده و غمگین گفت: زمین خوردم. بچه ی غمگین و ساکتی بود. با این که قدش کوتاه بود، همیشه ته کلاس می نشست. انگار آنجا احساس امنیت می کرد. جای سگ شلاق روی تنش بود. زنگ تفریح نگاهش داشتم و دوباره پرسیدم که چه شده است؟ گفت: پدرم با کمر بند مادرم را زد، می خواستم جلویش را بگیرم، اما سگ کمر بند به بازویم گرفت ....

است. تحریم های همه جانبه ی خارجی در هماهنگی با سیاست های داخلی، بیش از پیش اوضاع زندگی زنان را تحت تاثیر قرار داده است. اوضاع رو به وخامت اقتصادی زنان را بیش از پیش به بازار کار غیر رسمی کشانده است. شمار روز افزون زنان دستفروش نشان از همین موضوع دارد.

علاوه بر این، آنچه ایران این سالها در قبال نظامی گری بدست آورده تحریمهایی هـــــــــــــــرچه شدید تر است که بوجود آورنده کمبود ارزاق اساسی و عمومی و در نتیجه تشدید گـــــــــــــــرانی و تورم می باشد.

حذف گوشت، میوه و لبنیات از سبد مصرفی خانواده هـــــــــــــــــا، فاجعه ای جبران ناپذیر کمبود آهن، کلسیم و انواع ویتامین ها را به بار می آورد، فاجعه ای که بیشتر، زنان و کودکان با آن دست به گریبانند. زنانی کـــــــــــــــــه یاد گرفته اند فداکار باشند؛ بشقاب خود کم و به بشقاب همـــــــــــــــــــــر و فرزندان خود اضافه منند.

تحریم هایی که مقدمه شرایط جنگی است، بر روی بازار دارو نیز تاثیر گذاشته است. هم اکنون دارو به خصوص برای بیماری های خاص همچون سرطان، به شدت نایاب شده است. گزارش هایی از کمبود داروهای بیهوشی نیز منتشر شده است.

علاوه بر این ها ، پیدا کردن شیر خشک نیز این روزها دغدغه ای شده است. افزایش قیمت اقلامی چون شیر خشک، پوشک بچه ، و ... بیشترین فشار را بر مادران اعمال می کند که مسئول نگهداری کودکان قلمداد می شوند. از سویی دیگر در کنار لغو انجام رایگان عمل واژکتومی در مراکز بهداشت، به تازگی واردات کاندوم نیز به عنوان محصولی لوکس! ارزیابی شده و ممنوع شده است. اینها همه چشم اندازی از فلاکت است که پیش روی مردم ، به خصوص زنان قرار دارد. در چنین شرایطی بی راه نیست اگر بگوییم که در شرایط جنگی

## روایت‌هایی روزمره از خشونت

- پسرانم آزاد بودند که هر جا می خواهند بروند. اما دخترم حتی جلوی برادرانش باید شلوار می پوشید، چون او می گفت که بدن دختر ممکن است برادرانش را تحریک کند. دخترم از ساده ترین آزادی ها نیز محروم بود. وقتی می خواست بیرون برود، همسر مرا وادار می کرد همراهش بروم و مراقبش باشم...

- سه ماه می شد که حقوقم را می گرفت و برای خرج خانه از آن استفاده می کرد و برای رفت و آمدم، مقداری پول توجیبی به من می داد. همیشه می گفت من و تو نداریم. اما هر وقت خودش می خواست پول هایش را بشمارد به من پشت می کرد و می شمرد.... - ساعت ورزش بود. رفتم به کلاس. بچه ها در حال تعویض لباس بودند. ناخودآگاه چشمم به بازوی سمیه افتاد. سیاه شده بود. جلو و رفتم و پرسیدم باز چه شده، با نگاهی تیز و برنده و غمگین گفت: زمین خوردم. بچه ی غمگین و ساکتی بود. با این که قدش کوتاه بود، همیشه ته کلاس می نشست. انگار آنجا احساس امنیت می کرد. جای سگ شلاق روی تنش بود. زنگ تفریح نگاهش داشتم و دوباره پرسیدم که چه شده است؟ گفت: پدرم با کمر بند مادرم را زد، می خواستم جلویش را بگیرم، اما سگ کمر بند به بازویم گرفت ....

به خود می اندیشم و اشکهایم

و دیوارهای خانه

که صدایم را بلعید

تا جیرجیرکها ملامتم نکنند

.....

جان فرسا بود وقتی

حق هق گریه هایم

با صدای باران

آمیخت و گم شد.

.....

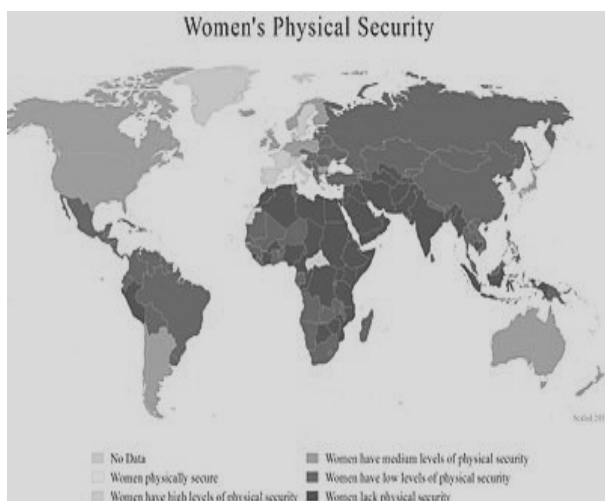
۴۰ نوامبر

روز جهانی مرد و خشونت علیه زنان

کرامتی باد

قرار داریم. و البته نزاع نظامی نیز اگر در بگیرد، خود بیشترین آسیب را به زنان وارد خواهد کرد

جنگ یعنی ویرانی شهرها، آثار تاریخی، فشار اقتصادی روز افزون، هتک حرمت و تجاوز و آثار روانی آن بر زنان و کودکان و در ادامه بازگشت مردان به خانواده با عوارضی چند، چون آسیب دیدگی های جسمی-روحی، باز هم فشار برشان زن، به راسه راستی چه کسی زیر این همه فشار تاب می آورد؟



به خود می اندیشم و اشکهایم

و دیوارهای خانه

که صدایم را بلعید

تا جیرجیرکها ملامتم نکنند

.....

جان فرسا بود وقتی

حق هق گریه هایم

با صدای باران

آمیخت و گم شد.

.....

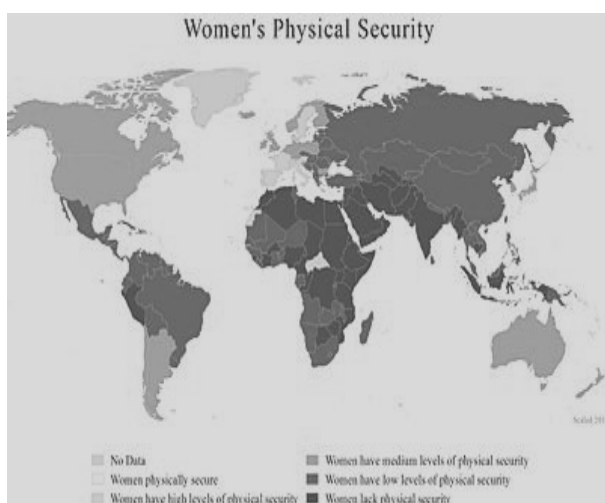
۴۰ نوامبر

روز جهانی مرد و خشونت علیه زنان

کرامتی باد

قرار داریم. و البته نزاع نظامی نیز اگر در بگیرد، خود بیشترین آسیب را به زنان وارد خواهد کرد

جنگ یعنی ویرانی شهرها، آثار تاریخی، فشار اقتصادی روز افزون، هتک حرمت و تجاوز و آثار روانی آن بر زنان و کودکان و در ادامه بازگشت مردان به خانواده با عوارضی چند، چون آسیب دیدگی های جسمی-روحی، باز هم فشار برشان زن، به راسه راستی چه کسی زیر این همه فشار تاب می آورد؟



## نه به جنگ، نه به مردسالاری

این روزها خطر جنگی دوباره، همه جا احساس می شود. تشدید بیش از پیش تحریم ها و گرانی های گسترده باعث شده است تا گاهی اوقات افراد نه تنها نگران جنگ نباشند بلکه آرزو کنند تا شاید یک جنگ «تکلیف آنها» را مشخص کند و نقطه ی پایانی بر شرایط اسف بار زندگی مردم باشد. این حساسیت زدایی نسبت به خطر جنگ، از خود جنگ خطرناک تر است. زیرا وقتی مردم نگران وقوع جنگ باشند احتمال این وجود دارد که برای جلوگیری از آن همفکری کنند و راهی بیابند. اما در صورت عدم احساس خطر، و بدتر از آن استقبال از جنگ- شرایطی که ما گاه با آن مواجهیم- آسیب های جنگ به مراتب بیشتر می شود.

راه مقابله با حساسیت زدایی نسبت به جنگ یادآوری خطرات و اثرات فاجعه بار جنگ بر روی مردم و به خصوص زنان است. به خصوص ما در ایران تجربه ی جنگی خانمان سوز را داریم که به سادگی می توان افراد را به آن ارجاع داد و نسبت به تکرار حوادثی چون آن هشدار داد.

برخلاف آن چه که گفته می شود، جنگ تنها اعمال خشونت مردان بر یکدیگر نیست. بلکه خشونت پنهان و آشکاری که بر زنان اعمال می شود به مراتب شدید تر است.

به عبارت دیگر ، شرایط جنگی زنان را بیش از پیش آسیب پذیر می سازد و به همین دلیل میزان خشونتی که بر آنان اعمال می شود به مراتب بیشتر می شود.

جنگ سالاران برای این که نیروی نظامی خود را تامین کنند و مردم به خصوص مردان را به جنگیدن تشویق کنند، سعی می کنند تا از جنگ و خشونت تصویری دلپذیر بسازند. به طور مثال سرودهای دوران جنگ با آهنگی رزمی و متنی



نزدیک تر می شوند.

احساس صمیمیت و اعتماد می کنند.

آرزوهای همه شان

آن قدر کوچک است

که تو را به فکر فرو

می برد. کمی که فکر

می کنی می بینی

خواسته زیادی است داشتن یک سقف؟ خواسته ی زیادی است خوردن

یک غذای ساده؟ به اطرافت نگاه می کنی. ماشین های شاسی بلند از

کنارت ویراژ می دهند. بوی عطر زنی تا ۱۰۰ متر آن طرف تر دماغت را

پر می کند. با خودت می گویی این ها حداقل ترین حق زندگی را ندارند.

دلت می خواهد شادشان کنی. یک لحظه، فقط یک لحظه بار غم را از

روی دوششان برداری. نگاهشان می کنی می گویی؟ اگر پولدار بودی چه

کار می کردی؟ می گوید: برای پسرم یک دوچرخه می خریدم.

بغض امانت نمی دهد تا گریه سرازیر نشده. راحت را می گیری و می روی.

## نه به جنگ، نه به مردسالاری

این روزها خطر جنگی دوباره، همه جا احساس می شود. تشدید بیش از پیش تحریم ها و گرانی های گسترده باعث شده است تا گاهی اوقات افراد نه تنها نگران جنگ نباشند بلکه آرزو کنند تا شاید یک جنگ «تکلیف آنها» را مشخص کند و نقطه ی پایانی بر شرایط اسف بار زندگی مردم باشد. این حساسیت زدایی نسبت به خطر جنگ، از خود جنگ خطرناک تر است. زیرا وقتی مردم نگران وقوع جنگ باشند احتمال این وجود دارد که برای جلوگیری از آن همفکری کنند و راهی بیابند. اما در صورت عدم احساس خطر، و بدتر از آن استقبال از جنگ- شرایطی که ما گاه با آن مواجهیم- آسیب های جنگ به مراتب بیشتر می شود.

راه مقابله با حساسیت زدایی نسبت به جنگ یادآوری خطرات و اثرات فاجعه بار جنگ بر روی مردم و به خصوص زنان است. به خصوص ما در ایران تجربه ی جنگی خانمان سوز را داریم که به سادگی می توان افراد را به آن ارجاع داد و نسبت به تکرار حوادثی چون آن هشدار داد.

برخلاف آن چه که گفته می شود، جنگ تنها اعمال خشونت مردان بر یکدیگر نیست. بلکه خشونت پنهان و آشکاری که بر زنان اعمال می شود به مراتب شدید تر است.

به عبارت دیگر ، شرایط جنگی زنان را بیش از پیش آسیب پذیر می سازد و به همین دلیل میزان خشونتی که بر آنان اعمال می شود به مراتب بیشتر می شود.

جنگ سالاران برای این که نیروی نظامی خود را تامین کنند و مردم به خصوص مردان را به جنگیدن تشویق کنند، سعی می کنند تا از جنگ و خشونت تصویری دلپذیر بسازند. به طور مثال سرودهای دوران جنگ با آهنگی رزمی و متنی



نزدیک تر می شوند.

احساس صمیمیت و اعتماد می کنند.

آرزوهای همه شان

آن قدر کوچک است

که تو را به فکر فرو

می برد. کمی که فکر

می کنی می بینی

خواسته زیادی است داشتن یک سقف؟ خواسته ی زیادی است خوردن

یک غذای ساده؟ به اطرافت نگاه می کنی. ماشین های شاسی بلند از

کنارت ویراژ می دهند. بوی عطر زنی تا ۱۰۰ متر آن طرف تر دماغت را

پر می کند. با خودت می گویی این ها حداقل ترین حق زندگی را ندارند.

دلت می خواهد شادشان کنی. یک لحظه، فقط یک لحظه بار غم را از

روی دوششان برداری. نگاهشان می کنی می گویی؟ اگر پولدار بودی چه

کار می کردی؟ می گوید: برای پسرم یک دوچرخه می خریدم.

بغض امانت نمی دهد تا گریه سرازیر نشده. راحت را می گیری و می روی.

## زنانی در کنار خیابان های شهرم

این روزها خوب که به دور و برتان نگاه کنید چهره ی شهری را می بیند که گوشه گوشه اش را زنان دست فروشی پر کرده اند. زنانی که با توجه به وضعیت اقلیم خود اجناسی برای فروش در شهر می آورند و می فروشند. زنانی که پشت آن چهره زمخت و چروکیده شان دردی زیاد نهفته است که نه تو می دانی نه من.

نزدیک شان که شوی، سر صحبت را که باز کنی. می بینی چقدر قصه شان غمگین است. زنانی که توی گرما و سرما بدون هیچ سرپناهی توی خیابان های شهر می چرخند تا تکه ای از جنس شان را بفروشند و معاش آن روزشان را فراهم کنند.

چهره ی شهر سبز من، این روزها پر شده از این زنان. سر حرفشان که بنشینم یا شوهرشان معتاد است و خرجی نمی آورد. یا فوت شده یا اینکه بی کار و عاجز گوشه خانه افتاده. مسئولیت زندگی ، خرج بچه و شوهر و کرایه خانه شانه های نحیف شان را خدشه دار کرده. کنارشان می نشینم و می گویم: چه آرزویی داری؟

آرزویشان آن قدر کوچک است که اشک اجازه نمی دهد و سرازیر می شود. می گویند: یک سرپناه برای خودم و بچه هایم می خواهم. بیشتر که حرف می زنیم

۱۷

## زنانی در کنار خیابان های شهرم

این روزها خوب که به دور و برتان نگاه کنید چهره ی شهری را می بیند که گوشه گوشه اش را زنان دست فروشی پر کرده اند. زنانی که با توجه به وضعیت اقلیم خود اجناسی برای فروش در شهر می آورند و می فروشند. زنانی که پشت آن چهره زمخت و چروکیده شان دردی زیاد نهفته است که نه تو می دانی نه من.

نزدیک شان که شوی، سر صحبت را که باز کنی. می بینی چقدر قصه شان غمگین است. زنانی که توی گرما و سرما بدون هیچ سرپناهی توی خیابان های شهر می چرخند تا تکه ای از جنس شان را بفروشند و معاش آن روزشان را فراهم کنند.

چهره ی شهر سبز من، این روزها پر شده از این زنان. سر حرفشان که بنشینم یا شوهرشان معتاد است و خرجی نمی آورد. یا فوت شده یا اینکه بی کار و عاجز گوشه خانه افتاده. مسئولیت زندگی ، خرج بچه و شوهر و کرایه خانه شانه های نحیف شان را خدشه دار کرده. کنارشان می نشینم و می گویم: چه آرزویی داری؟

آرزویشان آن قدر کوچک است که اشک اجازه نمی دهد و سرازیر می شود. می گویند: یک سرپناه برای خودم و بچه هایم می خواهم. بیشتر که حرف می زنیم

سلحشورانه خشونت را تقدیس می کنند.در این سرودها مردانی که خود قربانی شدید ترین شکل خشونت یعنی قتل هستند یا مرتکب این نوع خشونت اند، قهرمانانی تصویری می شوند که باید از آنها درس آموخت. آنها مرد تر از همه ی مردان تصویر می شوند زیرا در آنها نشانی از ترس از کشتن و کشته شدن نیست.

در چنین شرایطی وقتی خشونت تقدیس شود، و ارزشمند تلقی شود نمی توان انتظار داشت تا تنها در میدان های جنگ باقی بماند. مردانی که در میدان های جنگ آموخته اند تا خشن باشند، این خشونت را به حوزه ی خانواده گی نیز می کشانند. مثلا در بوسنی، رزمندگان حق داشتند تا با خود سلاح حمل کنند. تصور این موضوع سخت نیست که وقتی مردی مسلح که آموخته است خشونت را تقدیس کند در خانه باشد، چقدر خانه را برای افرادی که در شرایط عادی نیز بسیار آسیب پذیرند، همچون زنان و کودکان، دشوارتر می کند. به عنوان مثال طبق گزارش های موثق میزان قتل زنان توسط همسرانشان در دوران جنگ در بوسنی به مراتب بیش از دوران پیش از جنگ بود. علاوه بر این در دوران جنگ از زنان خواسته می شود تا با لیخند و شادمانی فرزندان و همسران خود را به میدان های جنگ بفرستند. از آنها خواسته می شود تا پا بر روی احساسات و عواطف خود بگذارند و گاه حتی از آنها خواسته می شود تا از مرگ عزیزان خود در میدان های جنگ نیز ابراز نارضایتی نکنند و « شادمانه مرگ عزیزان خود را جشن بگیرند». تصور این که چنین شرایطی تا چه حد برای یک زن سخت است، دشوار نیست. در اغلب موارد در شرایط جنگی زنان بیش از این که «انسان» به حساب بیایند، ابزاری برای تامین سرباز در نظر گرفته می شوند. از آنها خواسته می شود تا فرزندان بیشتری به دنیا بیاورند. و با فرستادن کودکان خردسال خود به میدان های جنگ مخالفتی نداشته باشند.

زنان موظفند تا در غیاب همسرانشان که به میدان های جنگ رفته اند ، علاوه بر

۸

سلحشورانه خشونت را تقدیس می کنند.در این سرودها مردانی که خود قربانی شدید ترین شکل خشونت یعنی قتل هستند یا مرتکب این نوع خشونت اند، قهرمانانی تصویری می شوند که باید از آنها درس آموخت. آنها مرد تر از همه ی مردان تصویر می شوند زیرا در آنها نشانی از ترس از کشتن و کشته شدن نیست.

در چنین شرایطی وقتی خشونت تقدیس شود، و ارزشمند تلقی شود نمی توان انتظار داشت تا تنها در میدان های جنگ باقی بماند. مردانی که در میدان های جنگ آموخته اند تا خشن باشند، این خشونت را به حوزه ی خانواده گی نیز می کشانند. مثلا در بوسنی، رزمندگان حق داشتند تا با خود سلاح حمل کنند. تصور این موضوع سخت نیست که وقتی مردی مسلح که آموخته است خشونت را تقدیس کند در خانه باشد، چقدر خانه را برای افرادی که در شرایط عادی نیز بسیار آسیب پذیرند، همچون زنان و کودکان، دشوارتر می کند. به عنوان مثال طبق گزارش های موثق میزان قتل زنان توسط همسرانشان در دوران جنگ در بوسنی به مراتب بیش از دوران پیش از جنگ بود. علاوه بر این در دوران جنگ از زنان خواسته می شود تا با لیخند و شادمانی فرزندان و همسران خود را به میدان های جنگ بفرستند. از آنها خواسته می شود تا پا بر روی احساسات و عواطف خود بگذارند و گاه حتی از آنها خواسته می شود تا از مرگ عزیزان خود در میدان های جنگ نیز ابراز نارضایتی نکنند و « شادمانه مرگ عزیزان خود را جشن بگیرند». تصور این که چنین شرایطی تا چه حد برای یک زن سخت است، دشوار نیست. در اغلب موارد در شرایط جنگی زنان بیش از این که «انسان» به حساب بیایند، ابزاری برای تامین سرباز در نظر گرفته می شوند. از آنها خواسته می شود تا فرزندان بیشتری به دنیا بیاورند. و با فرستادن کودکان خردسال خود به میدان های جنگ مخالفتی نداشته باشند.

زنان موظفند تا در غیاب همسرانشان که به میدان های جنگ رفته اند ، علاوه بر

۸

۱۷



وظایف زنانه خود وظایف مردانه را نیز بر عهده بگیرند.

در شرایط جنگی در تبلیغات رسمی مدام از مردان خواسته می شود تا برای دفاع از ناموس خود به میدان های جنگ بروند. در این شرایط زنان بیش از همیشه ناموس مردان در نظر گرفته می شوند. و در جوامعی مثل ایران که «ناموس پرست» بودن بسیار ارزشمند تلقی می شود و حراست از ناموس ارتباط تنگاتنگی با محدود سازی زنان از حضور آزادانه در محیط های اجتماعی دارد، زنان بیش از پیش محدود می شوند. آنان باید بیش از پیش خود را بیوشانند زیرا مردان برای حفاظت از آنان به جبهه ها رفته و کشته شده اند. و «حجاب آنان از خون شهدا کوبنده تر است». در یک کلام شرایط جنگی به تقویت و تشدید مردساری و فرودستی زنان می انجامد. تقویت مردسالاری تنها جنبه ی منفی شرایط جنگی نیست و هیولای جنگ اثرات مخرب فراوانی دارد که اندیشیدن به آن موجب می شود تا برای جلوگیری از وقوع آن بکوشیم.

***We STILL  
say NO!  
To war.***

۹

وظایف زنانه خود وظایف مردانه را نیز بر عهده بگیرند.

در شرایط جنگی در تبلیغات رسمی مدام از مردان خواسته می شود تا برای دفاع از ناموس خود به میدان های جنگ بروند. در این شرایط زنان بیش از همیشه ناموس مردان در نظر گرفته می شوند. و در جوامعی مثل ایران که «ناموس پرست» بودن بسیار ارزشمند تلقی می شود و حراست از ناموس ارتباط تنگاتنگی با محدود سازی زنان از حضور آزادانه در محیط های اجتماعی دارد، زنان بیش از پیش محدود می شوند. آنان باید بیش از پیش خود را بیوشانند زیرا مردان برای حفاظت از آنان به جبهه ها رفته و کشته شده اند. و «حجاب آنان از خون شهدا کوبنده تر است». در یک کلام شرایط جنگی به تقویت و تشدید مردساری و فرودستی زنان می انجامد. تقویت مردسالاری تنها جنبه ی منفی شرایط جنگی نیست و هیولای جنگ اثرات مخرب فراوانی دارد که اندیشیدن به آن موجب می شود تا برای جلوگیری از وقوع آن بکوشیم.

***We STILL  
say NO!  
To war.***

۹

روی آگاهی به انجام این عمل رضایت دهند در نظر می گیرند. در حال حاضر عمل قطع آلت تناسلی زنان در بسیاری از فرهنگ های موجود در آفریقا و خاورمیانه با تفاوت هایی در شکل و شدت آن به عنوان سیستمی از اعتقادات و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی به اجرا در می آید و اغلب با توجیهات دینی، تطهیر می شود. توجیهات دینی این عمل موجب شده است که در بعضی نقاط دنیا سیاست های مخالف این عمل به کنار گذاشته شده است. به عنوان مثال در مصر پس از پیروزی اسلام گرایان، ختنه ی زنان که پیش از این جرم شناخته می شد، دیگر جرم محسوب نمی شود.



۱۶

روی آگاهی به انجام این عمل رضایت دهند در نظر می گیرند. در حال حاضر عمل قطع آلت تناسلی زنان در بسیاری از فرهنگ های موجود در آفریقا و خاورمیانه با تفاوت هایی در شکل و شدت آن به عنوان سیستمی از اعتقادات و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی به اجرا در می آید و اغلب با توجیهات دینی، تطهیر می شود. توجیهات دینی این عمل موجب شده است که در بعضی نقاط دنیا سیاست های مخالف این عمل به کنار گذاشته شده است. به عنوان مثال در مصر پس از پیروزی اسلام گرایان، ختنه ی زنان که پیش از این جرم شناخته می شد، دیگر جرم محسوب نمی شود.



۱۶

از هزاران سال پیش که زنان به اتهام جادوگری در اروپای مسیحی سوزانده شدند و یا در هندوستان که بیوه زنان بر روی هیزم می‌رفتند تا به همراه جسد همسرانشان سوزانده شوند . یا در چین که به بهانه زیبایی و اصالت اشرافی ، پای زنان در کودکی بسته میشد و نشان درد و زخم آن تا سالها باقی میماند ، تا امروزه که در در قرن بیست و یکم نیز در بسیاری از نقاط جهان از آفریقا تا آسیا قطع کلیتوریس در اندام تناسلی دختران یا ختنه ی زنان ادامه دارد، با این اعتقاد که از آنان مادران و همسران بهتر می سازد، بسیاری از این روش های اعمال شده و خشونت علیه زنان نهادینه شده و به صورت سنت در آمده و حتی قداست یافته اند . غم انگیز تر این که هر چند ممکن است در بسیاری از موارد خشونت به خواست و اراده مردان باشد اما عمده ی اجرای آن خود زنان هستند که قطع بخشی از آلت تناسلی یا (ختنه) زنان از آن جمله است. دلایل مختلفی از قبیل ورود به بزرگسالی کاهش میل جنسی پیشگیری از انتقال بیماری های جنسی نظافت و .. برای انجام قطع آلت تناسلی زنان عنوان شده اما دلیلی که بیشتر بر روی آن تا کید شده کاهش میل جنسی زنان است روشن است که عمل قطع آلت تناسلی زنان به ویژه قطع کلیتوریس بر بهداشت جنسی با روری زنان اثری منفی دارد آثار روانی از قبیل ترس، کابوس اضطراب و .. ناشی از این عمل و ضایعات ایجاد شده در اندام های تناسلی زنانه بسیار عمیق بوده و در اغلب موارد غیر قابل جبران است. بیشتر سازمان های حقوق بشر در غرب آمریکا و آسیا تشریفات مذهبی عمل قطع آلت تناسلی زنان را تجاوزی آشکار به حقوق بشر کودکانی که قادر نیستند از

در روزگار سختی، قحطی ، زلزله ، سیل و... معمولا زنان رنج بیشتری بر دوش می کشند و بار عاطفی و روحی سنگین تری را متحمل می شوند.همانگونه که در جنگ، زنان نخستین قربانیان این بلای خانمان سوز،اند. با آنکه جنگ برای زنان و مردان آسیبهای روحی و تجربه های دردناک مشترکی به جای میگذارد اما سرنوشت زنان به مراتب تلخ تر و درناکتر از آن است که دیده میشود .در حالی که بیشتر مردان در جنگ کشته یا زخمی می‌شوند، زنان اغلب، هدف خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند .زنان در طول دوره درگیری‌ها با از دست دادن بستگان یا بی‌خبر ماندن از وضعیت نزدیکی که در جریان نزاع‌ها ناپدید شده‌اند، نوع دیگری از خشونت را نیز تجربه می‌کنند. در بسیاری از موارد مردان کشته می شوند تا زنان به همراه فرزندان خود بمانند و برای ماندن بجنگند. بر اساس اطلاعات منتشر شده پس از جنگ عراق و آمریکا،هرروز در این کشور بین ۹۰ تا ۱۰۰ زن عراقی بیوه میشدند و این در حالی بود که اکثر این زنان در سالهای اولیه زندگی مشترکشان قرار داشته اند.از این دست است آمار زنان شهید در ایران اما به دلیل نداشتن آمار و اسناد مستند در این باب ،رقم صحیحی در ایران در دست نیست. این در حالی است که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ با محور ”زنان، صلح و امنیت بر ضرورت تقویت حمایت از زنان در طول دوره های درگیری و خشونت تاکید کرد. اما تمام اینها گویی مانند یک ژست بین المللی است و نه برای اقدامی شر دوستانه یا صلح طلبانه . چرا که نه تنها تعداد جنگها در طول سالیان اخیر رو به فزونی برداشته ،بلکه روز به روز بیش از پیش موقعیت زنان در گیر و دار حوادثی این گونه متزلزل می شود.

از هزاران سال پیش که زنان به اتهام جادوگری در اروپای مسیحی سوزانده شدند و یا در هندوستان که بیوه زنان بر روی هیزم می‌رفتند تا به همراه جسد همسرانشان سوزانده شوند . یا در چین که به بهانه زیبایی و اصالت اشرافی ، پای زنان در کودکی بسته میشد و نشان درد و زخم آن تا سالها باقی میماند ، تا امروزه که در در قرن بیست و یکم نیز در بسیاری از نقاط جهان از آفریقا تا آسیا قطع کلیتوریس در اندام تناسلی دختران یا ختنه ی زنان ادامه دارد، با این اعتقاد که از آنان مادران و همسران بهتر می سازد، بسیاری از این روش های اعمال شده و خشونت علیه زنان نهادینه شده و به صورت سنت در آمده و حتی قداست یافته اند . غم انگیز تر این که هر چند ممکن است در بسیاری از موارد خشونت به خواست و اراده مردان باشد اما عمده ی اجرای آن خود زنان هستند که قطع بخشی از آلت تناسلی یا (ختنه) زنان از آن جمله است. دلایل مختلفی از قبیل ورود به بزرگسالی کاهش میل جنسی پیشگیری از انتقال بیماری های جنسی نظافت و .. برای انجام قطع آلت تناسلی زنان عنوان شده اما دلیلی که بیشتر بر روی آن تا کید شده کاهش میل جنسی زنان است روشن است که عمل قطع آلت تناسلی زنان به ویژه قطع کلیتوریس بر بهداشت جنسی با روری زنان اثری منفی دارد آثار روانی از قبیل ترس، کابوس اضطراب و .. ناشی از این عمل و ضایعات ایجاد شده در اندام های تناسلی زنانه بسیار عمیق بوده و در اغلب موارد غیر قابل جبران است. بیشتر سازمان های حقوق بشر در غرب آمریکا و آسیا تشریفات مذهبی عمل قطع آلت تناسلی زنان را تجاوزی آشکار به حقوق بشر کودکانی که قادر نیستند از

در روزگار سختی، قحطی ، زلزله ، سیل و... معمولا زنان رنج بیشتری بر دوش می کشند و بار عاطفی و روحی سنگین تری را متحمل می شوند.همانگونه که در جنگ، زنان نخستین قربانیان این بلای خانمان سوز،اند. با آنکه جنگ برای زنان و مردان آسیبهای روحی و تجربه های دردناک مشترکی به جای میگذارد اما سرنوشت زنان به مراتب تلخ تر و درناکتر از آن است که دیده میشود .در حالی که بیشتر مردان در جنگ کشته یا زخمی می‌شوند، زنان اغلب، هدف خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند .زنان در طول دوره درگیری‌ها با از دست دادن بستگان یا بی‌خبر ماندن از وضعیت نزدیکی که در جریان نزاع‌ها ناپدید شده‌اند، نوع دیگری از خشونت را نیز تجربه می‌کنند. در بسیاری از موارد مردان کشته می شوند تا زنان به همراه فرزندان خود بمانند و برای ماندن بجنگند. بر اساس اطلاعات منتشر شده پس از جنگ عراق و آمریکا،هرروز در این کشور بین ۹۰ تا ۱۰۰ زن عراقی بیوه میشدند و این در حالی بود که اکثر این زنان در سالهای اولیه زندگی مشترکشان قرار داشته اند.از این دست است آمار زنان شهید در ایران اما به دلیل نداشتن آمار و اسناد مستند در این باب ،رقم صحیحی در ایران در دست نیست. این در حالی است که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ با محور ”زنان، صلح و امنیت بر ضرورت تقویت حمایت از زنان در طول دوره های درگیری و خشونت تاکید کرد. اما تمام اینها گویی مانند یک ژست بین المللی است و نه برای اقدامی شر دوستانه یا صلح طلبانه . چرا که نه تنها تعداد جنگها در طول سالیان اخیر رو به فزونی برداشته ،بلکه روز به روز بیش از پیش موقعیت زنان در گیر و دار حوادثی این گونه متزلزل می شود.

## خشونت در آیینہ آمار

به گفته ی سازمان عفو بین الملل خشونت در خانواده بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده ای عامل مرگ و معلولیت جسمانی زنان اروپایی در سنین ۱۶ تا ۴۴ سالگی است

بر اساس آمارهای جهانی ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی، زنان و ۱۰ درصد، مردان هستند.

بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی در هر ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می گیرد.

۳۰ تا ۳۵ درصد زنان امریکایی مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار می گیرند و ۱۵ تا ۲۰ درصد آنها هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و از هر ۱۰ قربانی زن، سه نفر توسط شوهر یا مردی که با او مرتبط بوده اند کشته شده اند.

## خشونت در آیینہ آمار

به گفته ی سازمان عفو بین الملل خشونت در خانواده بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده ای عامل مرگ و معلولیت جسمانی زنان اروپایی در سنین ۱۶ تا ۴۴ سالگی است

بر اساس آمارهای جهانی ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی، زنان و ۱۰ درصد، مردان هستند.

بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی در هر ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می گیرد.

۳۰ تا ۳۵ درصد زنان امریکایی مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار می گیرند و ۱۵ تا ۲۰ درصد آنها هنگام بارداری نیز مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و از هر ۱۰ قربانی زن، سه نفر توسط شوهر یا مردی که با او مرتبط بوده اند کشته شده اند.

طبق مشاهدات اخیر سازمان کودکان سازمان ملل، یونیسف، تجاوز جنسی به طرز فراگیری گسترده شده است. چه در قتل عام های جنگ های داخلی و چه در گونه های دیگری از درگیری های مسلحانه؛ در اغلب موارد، بدن زنان نیز بخشی از صحنه ی نبرد است. قربانیان تجاوزات وحشیانه در مقیاسی گسترده، طیف وسیعی را در برمی گیرند، از دختران خردسال گرفته تا پیرزنان. در طول جنگ های بالکان در دهه ی ۱۹۹۰ به زنان با این هدف تجاوز می شد که فرزندان دشمن را به دنیا بیاورند. مطابق برآوردهای اتحادیه اروپا تنها در بوسنی به ۲۰,۰۰۰ زن تجاوز شد. این زنان عموماً به حال خودشان رها شدند، تجربیاتشان به شدت آنان را آزرده کرده بود و به زندگی فلاکتباری محکوم بودند. در آفریقا از تجاوزهای دسته جمعی و گروهی به زنان به عنوان نوعی «سلاح جنگی» و «ابزار مقابله به مثل» استفاده می شود و همان مردانی که به زنان گروه مقابل تجاوز می کنند زنان خود را در صورتی که مورد تجاوز قرار گیرند ترک می گویند و به سادگی رها می کنند.

زنان فلسطینی هم در گوشه دیگری از جهان نه تنها مورد تجاوز دشمنان قرار می گیرند بلکه هر روز فرزندی را که در روزهای سخت جنگ بزرگ کرده اند به دست عملیات استشهادی و شهادت طلبانه می سپارند تا با خون دل فراموش شان کند.

هر چند خشونت جنسی در جریان و بعد از منازعه، بخشی از خشونت های است که زنان و دختران با آن مواجه اند، اما ناامنی و بی ثباتی، از دست دادن عزیزان و فرزندان، به تنهایی بار سنگین زندگی را به دوش کشیدن، تیمارداری از جانبازان و معلولان جنگی و همه و همه به ما مگویند که تا زمانی که فضای خشونت گرا و نظامی در جامعه حاکم باشد، جوامع و خانواده ها شاهد میزبان فراوانی از خشونت ها خواهند بود. و در نهایت با وجود ختم جنگ های رسمی خشونت های نظامی علیه زنان خاتمه نمی یابد.

طبق مشاهدات اخیر سازمان کودکان سازمان ملل، یونیسف، تجاوز جنسی به طرز فراگیری گسترده شده است. چه در قتل عام های جنگ های داخلی و چه در گونه های دیگری از درگیری های مسلحانه؛ در اغلب موارد، بدن زنان نیز بخشی از صحنه ی نبرد است. قربانیان تجاوزات وحشیانه در مقیاسی گسترده، طیف وسیعی را در برمی گیرند، از دختران خردسال گرفته تا پیرزنان. در طول جنگ های بالکان در دهه ی ۱۹۹۰ به زنان با این هدف تجاوز می شد که فرزندان دشمن را به دنیا بیاورند. مطابق برآوردهای اتحادیه اروپا تنها در بوسنی به ۲۰,۰۰۰ زن تجاوز شد. این زنان عموماً به حال خودشان رها شدند، تجربیاتشان به شدت آنان را آزرده کرده بود و به زندگی فلاکتباری محکوم بودند. در آفریقا از تجاوزهای دسته جمعی و گروهی به زنان به عنوان نوعی «سلاح جنگی» و «ابزار مقابله به مثل» استفاده می شود و همان مردانی که به زنان گروه مقابل تجاوز می کنند زنان خود را در صورتی که مورد تجاوز قرار گیرند ترک می گویند و به سادگی رها می کنند.

زنان فلسطینی هم در گوشه دیگری از جهان نه تنها مورد تجاوز دشمنان قرار می گیرند بلکه هر روز فرزندی را که در روزهای سخت جنگ بزرگ کرده اند به دست عملیات استشهادی و شهادت طلبانه می سپارند تا با خون دل فراموش شان کند.

هر چند خشونت جنسی در جریان و بعد از منازعه، بخشی از خشونت های است که زنان و دختران با آن مواجه اند، اما ناامنی و بی ثباتی، از دست دادن عزیزان و فرزندان، به تنهایی بار سنگین زندگی را به دوش کشیدن، تیمارداری از جانبازان و معلولان جنگی و همه و همه به ما مگویند که تا زمانی که فضای خشونت گرا و نظامی در جامعه حاکم باشد، جوامع و خانواده ها شاهد میزبان فراوانی از خشونت ها خواهند بود. و در نهایت با وجود ختم جنگ های رسمی خشونت های نظامی علیه زنان خاتمه نمی یابد.

## کابوس های جنگ

دیشب باز خواب دیدم. خواب خمپاره و گلوله. خواب دیدم تمام شهر ساکت است. جنازه های پیر و جوان روی زمین پهن است. صدای کشیده شدن زنجیرهای تانکی از دور می آمد. من حیران وسط جنازه های خونی ایستاده بودم. تانک نزدیک تر شد. مردی با سبیل های پرپشت بیرون آمد و با خنده بازوان من را گرفت. از چشم هایش خون بیرون می زد. فریاد زدم و خواب پریدم. به جای خالی شوهرم نگاه کردم. دوباره ترس به سراغم آمد.

هنوز هم بعد از گذشت ۳۰ سال اسم جنگ را که می شنوم تمام تنم می لرزد. یاد تنهایی هایم می افتم. یاد بی کسی هایم. یاد دعاها و گریه های شبانه ام می افتد.

بهترین سال های زندگی ام که می توانست کنار همسرم سپری شود در خلوت و ترس سپری شد. خیلی سخت است سال ها منتظر بمانی و حتی ندانی که شوهرت زنده است یا نه. به چشم های بچه هایت نگاه کنی و جواب هزار سوال دلتنگی هایشان را نداشته باشی. منتظر بمانی و بمانی تا یک روز بی خبر برگردد. از خوشحالی تمام کوچه را ریسه ببندی و چراغانی کنی. به تمام شهر شیرینی و شکلات بدهی. اما تازه انگار اول راه است. مردی که رو به روی تو می ایستد هیچ شباهتی به شوهرت ندارد. عصبی و ترسناک است، بچه ها ازش فرار می کنند. شب، نیمه شب، استکان چای را پرت می کند و ما را به باد کتک می گیرد. می گویم: بعد از این همه سال از دیدن ما خوشحال نیستی؟ می گوید تو آدم فروشی، جاسوس عراقی ها هستی.

## کابوس های جنگ

دیشب باز خواب دیدم. خواب خمپاره و گلوله. خواب دیدم تمام شهر ساکت است. جنازه های پیر و جوان روی زمین پهن است. صدای کشیده شدن زنجیرهای تانکی از دور می آمد. من حیران وسط جنازه های خونی ایستاده بودم. تانک نزدیک تر شد. مردی با سبیل های پرپشت بیرون آمد و با خنده بازوان من را گرفت. از چشم هایش خون بیرون می زد. فریاد زدم و خواب پریدم. به جای خالی شوهرم نگاه کردم. دوباره ترس به سراغم آمد.

هنوز هم بعد از گذشت ۳۰ سال اسم جنگ را که می شنوم تمام تنم می لرزد. یاد تنهایی هایم می افتم. یاد بی کسی هایم. یاد دعاها و گریه های شبانه ام می افتد.

بهترین سال های زندگی ام که می توانست کنار همسرم سپری شود در خلوت و ترس سپری شد. خیلی سخت است سال ها منتظر بمانی و حتی ندانی که شوهرت زنده است یا نه. به چشم های بچه هایت نگاه کنی و جواب هزار سوال دلتنگی هایشان را نداشته باشی. منتظر بمانی و بمانی تا یک روز بی خبر برگردد. از خوشحالی تمام کوچه را ریسه ببندی و چراغانی کنی. به تمام شهر شیرینی و شکلات بدهی. اما تازه انگار اول راه است. مردی که رو به روی تو می ایستد هیچ شباهتی به شوهرت ندارد. عصبی و ترسناک است، بچه ها ازش فرار می کنند. شب، نیمه شب، استکان چای را پرت می کند و ما را به باد کتک می گیرد. می گویم: بعد از این همه سال از دیدن ما خوشحال نیستی؟ می گوید تو آدم فروشی، جاسوس عراقی ها هستی.

خنده روی لبم خشک می شود. دکترم می گوید غم باد گرفته ای. باید از درد و غمت کم کنی. دکترش می گوید. اسارت این بلا را سرش آورده باید تحملش کنی تا به روال عادی برگردد. تحملش کنم؟ من که ۳۰ سال است تحملش کرده ام. چه قدر دیگر بمانم خوب می شود؟

اخبار می گوید قرار است جنگی دیگر رخ دهد. صدای آژیر خطر می پیچد توی گوشم. سرم گیج می رود. پسر در اتاق را محکم می بندد. شوهرم رعشه می گیرد. قرص هایش را می آورم. خوب نمی شود. چه قدر دلم برای آرامش تنگ شده. چند سال است رنگ آرامش را در خانه ام ندیدم! با تمام وجود داد می زنم. نکند دوباره تکرار شود. پتو را می کشم روی سرم. دیگر از هر چه اخبار و جنگ بی زارم.



خنده روی لبم خشک می شود. دکترم می گوید غم باد گرفته ای. باید از درد و غمت کم کنی. دکترش می گوید. اسارت این بلا را سرش آورده باید تحملش کنی تا به روال عادی برگردد. تحملش کنم؟ من که ۳۰ سال است تحملش کرده ام. چه قدر دیگر بمانم خوب می شود؟

اخبار می گوید قرار است جنگی دیگر رخ دهد. صدای آژیر خطر می پیچد توی گوشم. سرم گیج می رود. پسر در اتاق را محکم می بندد. شوهرم رعشه می گیرد. قرص هایش را می آورم. خوب نمی شود. چه قدر دلم برای آرامش تنگ شده. چند سال است رنگ آرامش را در خانه ام ندیدم! با تمام وجود داد می زنم. نکند دوباره تکرار شود. پتو را می کشم روی سرم. دیگر از هر چه اخبار و جنگ بی زارم.

